



An Analysis of the Personality and Works of Johann Zschendorf in Germany in the 17th Century*



Fatemeh Ranjbar ^۱

Abbas Aghdasi ^۲

Abstract

Johann Zschendorff (۱۶۶۲-۱۵۸۰) was the head of the Sevi Kau Latin School, a linguist and a Lutheran Christian. He was one of the pioneers in the field of Arabic and Islamic studies in the territory of the Kingdom of Germany in the Roman Empire. The translation of the Saff and Naba Surahs into Latin, as well as the translation of the commentary of the Qari'ah and Asr Surahs, are among his printed works, which were printed with wooden letters with difficulty. He made a lot of efforts to prepare the complete printed version of the Quran along with the Latin translation; however, due to unknown reasons, he failed to publish the complete Quran. So far, the activities and works of Johann Zschendorf as the pioneers of Islamic studies have not been considered and analyzed in Persian studies. This research, with a descriptive-library method, reviewed the works and activities of Zschendorff in the field of Arabic education and the translation of the Quran into Latin, and based on the previous research of Asaph Ben-Tov, Roberto Tottoli and Reinhold Gleis, he endeavored to determine the position of this German orientalist in the field of Arabic education and outlined Islamic studies. In addition to the brief description and introduction of Zschendorff's works, the results indicate that although he started his translation in the early stages intending to reject it, in the later stages and after getting to know Baydawi's exegesis, he changed his approach, which could be the cause of his isolation in the final stages of his life.

Keywords: Johann Zschendorf, Arabic Education, Quran Translation, Latin Language Schools, Kingdom of Germany.

*. **Date of receiving:** April ۹, ۲۰۲۲; **Date of correction:** June ۱۸, ۲۰۲۲; **Date of approval:** October ۲, ۲۰۲۲.

^۱. Ph.D. Scholar, History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author); (fa.ranjbar@mail.um.ac.ir)

^۲. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Iran; (aghdassi@um.ac.ir)



تحلیل شخصیت و آثار یوهان زشندورف در آلمان سده هفدهم*

فاطمه رنجبر^۱ و عباس اقدسی^۲



چکیده

یوهان زشندورف (۱۶۶۲-۱۵۸۰) رئیس مدرسه لاتین سویکاو، دانشمندی زبان‌شناس و از مسیحیان لوتری بود. وی از پیشگامان عرصه مطالعات عربی و اسلامی در قلمرو پادشاهی آلمان در امپراتوری روم بود. ترجمه سوره‌های صف و نباء به لاتین و همچنین ترجمه تفسیر سوره‌های قارعه و عصر از جمله آثار چاپی اوست که با حروف چوبی به دشواری چاپ شده است. وی برای تهیه نسخه کامل چاپی قرآن به همراه ترجمه لاتین، کوشش‌های فراوانی انجام داد؛ اما به دلایل نامعلومی موفق به چاپ کامل قرآن نشد. تاکنون در پژوهش‌های فارسی فعالیت‌ها و آثار یوهان زشندورف در کسوت طلایه‌دار مطالعات اسلامی، مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. این پژوهش با روش توصیفی — کتابخانه‌ای به مرور آثار و فعالیت‌های زشندورف در حوزه آموزش عربی و ترجمه قرآن به زبان لاتین پرداخته و بر پایه پژوهش‌های پیشین آصف بن توو، روبرتو توتولی و رینولد گیلی تلاش کرده است جایگاه این مستشرق آلمانی در حوزه آموزش عربی و مطالعات اسلامی را ترسیم کند. در کنار توصیف و معرفی اجمالی آثار زشندورف، نتایج نشان می‌دهد گرچه وی در مراحل اولیه ترجمه خود را با نیت رده‌نویسی آغاز کرد، ولی در مراحل بعدی و پس از آشنایی با تفسیر بیضاوی، رویکرد خود را تغییر داد که همین امر می‌تواند عامل انزوای وی در مراحل پایانی حیاتش باشد.

کلیدواژه‌ها: یوهان زشندورف، آموزش عربی، ترجمه قرآن، مدارس لاتین زبان، پادشاهی آلمان.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده

مسئول): (fa.ranjbar@mail.um.ac.ir)

۲. استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران: (aghdassi@um.ac.ir)



۱. مقدمه

نام یوهان زشندورف (۱۶۶۲-۱۵۸۰) Johann Zechendorf، ضبط این نام در برخی منابع به صورت یوهان زیشندورف آمده است؛ بدوی، «قرآن و نسخه هایش در اروپا»، ۷۸:۱۳۷۵؛ ایازی، اهتمام ایرانیان به قرآن، ۲۳۷:۱۳۸۰)، به عنوان یک استاد آموزش عربی و مترجم قرآن به زبان لاتین، در محدوده پادشاهی آلمان از امپراتوری مقدس روم ثبت شده است. امپراتوری مقدس روم، مجموعه‌ای از قلمروهای چندملیتی بود که با سه قرن فاصله از فروپاشی امپراتوری روم غربی، جانشین آن شد. امپراتوری روم از ۸۰۰م با تاج‌گذاری شارلمانی آغاز شد و تا سال ۱۸۰۶م که در جریان جنگ‌های ناپلئونی از بین رفت، بر بخش‌هایی از اروپای غربی و مرکزی سلطه داشت. این امپراتوری از قلمروهای مختلف پادشاهی مانند شاهزاده‌نشین‌های بورگاندی، آلمان و ایتالیا تشکیل شده بود. در میان این شاهزاده‌نشین‌ها، پادشاهی آلمان، بزرگترین قلمرو را داشت و ایالت ساکسونی الکتور، زیر مجموعه این قلمرو بود (Bryce, The Holy Roman Empire, ۱۹۱۳: ۱۸۳).

از سوی دیگر در تاریخ اروپای قرن ۱۴ تا ۱۹ میلادی با دسته‌ای از مدارس روبه‌رو می‌شویم که به نام مدارس لاتین زبان (Latin schools) مشهور هستند. این مدارس اساساً به جهت آموزش دستور زبان دشوار لاتینی در اروپا به فعالیت مشغول شدند؛ اما به تدریج در حوزه آموزش زبان‌های شرقی مانند زبان عبری و سریانی نیز به فعالیت پرداختند. در طول قرن هفدهم در مدارس لاتین زبانی که در امپراتوری مقدس روم فعالیت داشتند، تنها نشانه‌هایی از آموزش کم‌رنگ زبان عربی و اشاراتی از آن به چشم می‌خورد و در مدارس لاتین زبان حوزه پادشاهی آلمان، هیچ نشانه‌ای از آموزش زبان عربی وجود ندارد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۶۶). از این جهت است که یوهان زشندورف، مدیر مدرسه لاتین سویکاو در ایالت ساکسونی الکتور در محدوده پادشاهی آلمان، موردی کاملاً استثنایی است. تلاش زشندورف برای آموزش و یادگیری زبان عربی در میان مشکلات مختلفی، مانند کمبود متون و منابع آموزشی و نبود چاپخانه عربی، این گمانه را تقویت می‌کند که وی را از طلایه‌داران آموزش زبان عربی در مدارس لاتین زبان امپراتوری مقدس روم و آلمان قرن هفدهم بدانیم.

بر اساس دیدگاه واردنبرگ در مدخل شرق‌شناسی دائرةالمعارف اسلام، کاهش قدرت عثمانی پس از پیمان کارلوویتز (۱۶۹۹م) باعث رونق دیدگاه روشنگری منطقی در خاورشناسی اروپا شد. درحالی‌که پیش از این دوران، شاهد حضور پررنگ الهیات و کلام مسیحی در فعالیت‌های خاورشناسان اروپا هستیم (۷۴۱: ۱۹۹۸، Waardenburg, "Mustashriḳūn"). دورانی که زشندورف در آن زندگی می‌کرد، از این جهت جالب توجه است او در قرن هفدهم میلادی که در مدارس لاتین، توجه خاصی

به قرآن نمی شد، ابتدا دو سوره صف ونبأ و سپس دو سوره قارعه و عصر را به زبان لاتین ترجمه کرد. همچنین آموزش زبان عربی در مدرسه لاتین سویکاو (Zwickau) توسط زشندورف آغاز و پیگیری شد. در پژوهش پیشرو، تلاش کرده ایم تا فعالیت ها و آثار یوهان زشندورف را در حوزه ترجمه قرآن و آموزش عربی مرور کنیم و از این رهگذر، پیشگامی او در مطالعات عربی و اسلامی را مورد پژوهش قرار دهیم. همچنین با کاویدن زندگی نامه علمی که از نامه ها و آثار زشندورف و منابع محدود به ما رسیده است، به دنبال یافتن دلیلی برای عدم چاپ برخی از آثار زشندورف هستیم. بر اساس فرضیه این پژوهش، آثار زشندورف، به دلیل کم رنگ بودن مقاصد تبشیری نسبت به آثار دوران خود، مورد بی توجهی و عدم حمایت مالی برای چاپ قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش گران انگشت شماری درباره شخصیت و آثار یوهان زشندورف به پژوهش پرداخته اند. از این میان، آصف بن. توو (Asaph Ben-Tov) یکی از پژوهشگرانی است که در حوزه معرفی زشندورف و آثارش به عنوان پژوهشگر پیشرو در عرصه مطالعات اسلامی اروپا، بسیار تلاش کرده است. مقاله او با عنوان «یوهان زشندورف و مطالعات عربی در مدرسه لاتین سویکاو» در بخش سوم کتاب آموزش زبان عربی در دوران نخستین اروپای مدرن به سر ویراستاری یان لوب به چاپ رسیده است (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷). وی همچنین مقاله ای مختصر درباره کتاب افسانه های محمدی اثر زشندورف نگاشته است (Ben-Tov, "Fabulae Muhammedicae sive..." ۲۰۲۱: ۱-۵).

روبرتو توتولی در مقاله خود با عنوان «ترجمه لاتینی قرآن به قلم یوهان زشندورف...» گزارشی درباره نسخه خطی قرآن باقیمانده از زشندورف در دارالکتب قاهره ارائه می دهد و توضیحاتی درباره روش کار زشندورف در ترجمه و حاشیه نویسی بر این نسخه قرآن دارد (Tottoli, "The Latin Translation of the Qur'an by ... Zschendorff..." ۲۰۱۵: ۵-۳۱). توتولی در مقاله ای دیگر به تجزیه و تحلیل سوره کهف در نسخه قاهره می پردازد (Tottoli, "The Qur'an of Johann Zschendorff..." ۲۰۱۸: ۱۳۷-۱۴۸). او در این مقاله بیشتر به تجزیه و تحلیل متن عربی نسخه می پردازد. همچنین رینهولد گلی نیز مقاله ای با عنوان خوابیدن در غار، با توجه به نسخه خطی بازمانده از زشندورف در ترجمه سوره کهف ارائه می دهد (Glei, "Sleeping in the Cave: Zschendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an" ۲۰۱۸: ۱۲۱-۱۳۶). گلی در این مقاله بیشتر بر روی ترجمه لاتین سوره کهف تمرکز می کند. این دو مقاله با یکدیگر در تلاشد که به عنوان مشتق از خروار، روش زشندورف را در نسخه کامل ترجمه لاتین قرآن زشندورف، کشف کنند.



۲. زندگی نامه زشندورف

ز شندورف در زندگی اش دوره ای پر آشوب از اوایل تاریخ مدرن را در اروپای غربی گذرانده است. در میان روایت های کوچکی که از زندگی او وجود دارد، ذهن پرسشگر زشندورف و علاقه او به آموزش زبان ها خصوصاً زبان عربی خودنمایی می کند. تنها منبعی که درباره زندگی شخصی زشندورف گزارش داده است، سخنرانی برگزار شده به مناسبت پایان کار مدرسه سویکاو در یکشنبه، ۲۳ فوریه ۱۶۶۲م است. سخنرانی پیسکر در سال ۱۶۶۲ در مدرسه سویکاو صورت گرفت و چاپ شد و در کتابخانه شورای مدرسه موجود است. بن.توو از آن گزارش کرده است (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۶۰; Ben-Tov, Asaph, "Johann Zechendorff", ۲۰۲۱: ۳).

در این روز، زشندورف، مدیر ۸۲ ساله مدرسه سویکاو در کلیسای مرکزی شهر آرام گرفت. خطبه تشییع جنازه توسط سرپرست موقت مدرسه سویکاو، گوتفرد زیگموند پیسکر (Gottfried Sigismund Peisker) (۱۶۷۸-۱۶۱۷)، برگزار شد و شامل یک سخنرانی کاملاً دقیق و قابل اعتماد از داستان زندگی زشندورف بود (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۶۰; Ben-Tov, Asaph, "Johann Zechendorff", ۲۰۲۱: ۳).

بر اساس متن سخنرانی پیسکر یوهان زشندورف در سال ۱۵۸۰م در دهکده ای کوچک به نام لوسنیتز (Loessnitz) در ایالت ساکسونی (آلمان شرقی) متولد شد. در ابتدا نزد پدرش در همان دهکده به تحصیل پرداخت و سپس در کنار عمویش در دهکده بالرستد (Ballerstedt) به تحصیل مشغول شد. سپس به همراه او در مدارس زبان لاتین در شهرهای آشرزلین، آیزلین و زربست به تحصیل پرداخت. در تمام این مدت عمومی زشندورف، هزینه تحصیلش را می پرداخت و از او پشتیبانی مالی می کرد. در آن زمان در مدرسه لاتین زربست، جریان های کالوینیستی فعال بود (Muller, "John Calvin and later Calvinism", ۲۰۰۴: ۱۳۰).

زشندورف برای تحصیل در رشته الهیات از شهر خود به دانشگاه لایپزیگ (Leipzig) نقل مکان کرد. در سال ۱۶۰۸م مدرک کارشناسی ارشد گرفت، سپس به مدرسه اشنیرگ (Schneeberg) رفت. ظاهراً آشنایی زشندورف با زبان های آرامی، عبری و سریانی و علوم نجوم و منطق در این مدرسه بوده است. وی ریاست مدرسه لاتین سویکاو را از سال ۱۶۱۷ تا سال ۱۶۶۲م یعنی تا پایان عمرش بر عهده گرفت (Glei, "Sleeping in the Cave: Zechendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an", ۲۰۱۸: ۱۲۱). در این دوره نسبتاً طولانی، او نمایی تازه به مدرسه سویکاو داد که آموزش زبان عربی به دانش آموزان مدرسه، یکی از نشانه های این نمای تازه بود. برخی از مکاتبات باقی مانده از وی در کتابخانه

مدرسه شورا و همچنین برخی از بقایای مکاتبات او با یوهان ارنست گرهارد (Johann Ernst) (۱۶۶۸ - ۱۶۲۱م) Gerhard)، مستشرق لوتری، موجود در کتابخانه تحقیقاتی گرهارد (Gerhard Nachlass) در گوتا و یک سری از نامه‌هایی که او به مستشرق معروف زوریخ یوهان هاینریش هوتینگر (Johann Heinrich Hottinger) (۱۶۶۷-۱۶۲۰) نوشت، از منابع مهم درباره زندگی نامه علمی زشنندورف بود (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۶۱).

در جریان فعالیت‌های علمی قرن هفدهم هرچند زبان‌های شرقی در مدارس لاتین زبان در آلمان تدریس می‌شد؛ اما بیشتر این زبان‌ها عبری و گاهی آرامی و سریانی بودند. از این جهت کار زشنندورف در انتشار مزامیر با عبارات قرآنی به زبان عربی، کار جالب توجهی بود. بنابراین یکی از سؤالاتی که درباره زندگی او مطرح است این است که چگونه و چرا زشنندورف برای یادگیری عربی اقدام کرد؟ هرچند پاسخ اصلی این سؤال مشخص نیست؛ اما به احتمال زیاد سخنرانی تخصصی ویت ولفروم (Veit Wulfum) (۱۶۶۶-۱۵۶۴م) در دسامبر ۱۶۲۳م در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. در این سخنرانی ولفروم بر نقش مطالعات عربی با هدف گذاری در موضوع انسان شناسی تأکید کرد. درحالی‌که دیگرانی مثل فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها، اسپانیایی‌ها و لهستانی‌ها با هدف مطالعه در جلال خدا به زبان‌هایی مثل سریانی، عبری و عربی می‌پرداختند (Ibid: ۶۱).

بر اثر این سخنرانی و فضای ناشی از آن، وین سنت اشموک (Vinzent Schmuck) (۱۶۲۸-۱۵۶۵)، رئیس دانشکده الهیات در لایپزیگ، نامه‌ای برای تأیید فوریت مطالعات عربی در مدرسه لاتین نوشت (۲۱ اکتبر ۱۶۲۴م) که ولفروم با این نامه کار مختصر خود را آغاز کرد (Ibid: ۶۷). زشنندورف علاقه خود را به استادش ولفروم با این جملات عربی بیان کرده است: «مدحتی! اذْ أَخْبَرَ بِاسْمِكَ فِي النَّاسِ وَ أُمِّجَدَكَ، حَتَّى أَكُونَ حَيًّا، يَا كَرِيمَ مُعَلِّمَنَا، لِأَنَّ الْقَوْلَ كَقَدِ قَلْبِي عِلْمَ لِسَانِ الْعَرَبِ» این جملات بیان‌کننده این مفهوم است که ولفروم نقش اساسی در آموزش زبان عربی به زشنندورف داشته است. البته بر اساس مطالعه‌ای از زندگی علمی زشنندورف، می‌توانیم بگوییم که به دلیل کمبود معلم، او در طول بیست سال به تنهایی و با استفاده از واژگان قرآن، عربی را آموخت. سرخ این مطلب در یک یادداشت مختصر و در مقدمه نسخه قرآنی دومش آمده است (Zschendorff, ۱۶۴۷:۲) بر اساس این یادداشت، زشنندورف در سال ۱۶۲۶م یک نسخه از قرآن را با زحمت و هزینه زیاد تهیه کرده است و از آن به بعد به صورت خود آموز، به فراگیری عربی می‌پردازد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۶۸ & ۶۹).



محیطی که زشندورف در آن، به مطالعه بر روی زبان عربی و تجزیه و تحلیل قرآن می‌پردازد، از لحاظ مطالعات خاورشناسی یک محیط سخت‌گیر است، در حدود یک قرن قبل از دوران زشندورف، یوهانس روشلین (۱۵۲۲-۱۴۵۵) (Johannes Reuchlin)، در راه مطالعه بر آثار اسلامی دولت عثمانی و منابع یهودیان، با مخالفت‌های شدیدی مواجه بود. این مخالفت‌ها تا سطح اقدام برای آتش زدن منابع یهودی و کتب اسلامی ترکی پیش رفت (Ibid: ۶۶). همچنین تعصبات خاصی به جهت، چاپ و ترجمه قرآن در اروپا، از همان ابتدا وجود داشت، به‌صورتی که اولین متن عربی چاپی قرآن که در سال ۱۵۳۰م در ونیز به چاپ رسید، به دستور پاپ، سوزانده شد. پس از آن در سال ۱۶۱۷ میلادی نیز توماس ارپنیوس متن عربی سوره یوسف را به همراه ۳ ترجمه لاتین از آن به چاپ رسانید. زشندورف در واقع سومین کسی بود که اقدام به چاپ نسخه‌هایی از قرآن کرد (بدوی، «قرآن و نسخه‌هایش در اروپا»، ۷۸:۱۳۷۵ و ایازی، اهتمام ایرانیان به قرآن، ۱۳۸۰:۲۳۷). این اقدام در شرایطی بود که کشیشان مسیحی، در آلمان شایع کرده بودند که هر کس به چاپ قرآن مبادرت ورزد یا حتی نیت چاپ قرآن داشته باشد، به مرگ سختی از دنیا خواهد رفت (ریکسون «قرآن و ترجمه‌های آن» ۱۴۰۶: ۱/۲۳؛ رضایی اصفهانی، منطق ترجمه قرآن، ۱۳۸۶: ۱۰۲). توجه به این شرایط زمانی و مکانی، سبب می‌شود که بیشتر به شخصیت سخت‌کوش و بی‌باک زشندورف، پی ببریم.

با توجه به برخی شواهد از زندگی شخصی زشندورف، علاقه او به زبان عربی به حدی بود که برخی از دعا‌های مذهبی مسیحی را به عربی می‌خواند. همچنین در لابه‌لای نامه‌های شخصی‌اش از عبارات عربی استفاده می‌کرد و دست نویس‌های عربی شخصی داشت که مخصوص خودش بود و برنامه‌ای برای چاپ آن‌ها نداشت. همچنین از عبارات قرآنی برای افزودن آرایه ادبی و معنوی در برخی نامه‌های شخصی استفاده می‌کرد. به‌عنوان نمونه، در نامه‌ی شخصی که او در سال ۱۶۵۴م برای تسلیت به یکی از خویشاوندانش می‌نویسد، پس از بیان تسلیت با دعا‌های مسیحی، از عبارات قرآنی مزامیر داوود استفاده می‌کند. او با این عبارات نامه را به پایان می‌برد: من نیازمند و فقیرم و پروردگارم به من توجه می‌کند (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۵).

چنان‌که می‌دانیم، دانشجویان زشندورف، در ترجمه قرآن و آموزش عربی با او همراهی می‌کردند. یکی از برجسته‌ترین دانشجویان زشندورف، ویلیام اشمیت کنتزل (Schmidt Kuntzel (۱۶۰۶-۱۶۷۱) بود. او دهقانی بود که رسماً به سوادآموزی اشتغال نداشت، ولی استعدادی خارق‌العاده در یادگیری زبان‌ها داشت. اشمیت کنتزل چندین کتاب مستعار چاپ کرده بود و تحسین هوتینگر و زشندورف را بر انگیزه بود. این کتاب‌ها به زبان عربی و دارای غنای ادبی بودند که حتی باعث حسادت زشندورف شد (Ibid: ۹۰).

هرچند زشندورف، از مراکز آموزشی اروپا فاصله بسیار داشت، اما با توجه به مکاتبات او مشاهده می‌کنیم که وی یک شبکه علمی بزرگ، در اختیار داشته است. در واقع مکاتبات او با توماس ارپنیوس (۱۶۲۴-۱۵۸۴) (Thomas Erpenius)، در لیدن، ادوارد پوکک (۱۶۰۴-۹۱) (Edward Pococke) در آکسفورد و یوهان هوتینگر در زوریخ، باعث شده است که او بتواند در مدرسه سویکاو، یک سایت شرق‌شناسی تاسیس کند (Glei, "Sleeping in the Cave: Zschendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an"، ۲۰۱۸: ۱۲۲)؛ اما مشکل اصلی زشندورف برای آموزش عربی و عمیق شدن در مطالعات اسلامی، مسئله پشتیبانی مالی بود (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۸۶).

کرسی آموزش زبان‌های شرقی، در سال (۱۵۹۳-۱۵۸۶م) در دانشگاه لیدن هلند ایجاد شد. در سال ۱۵۹۹م کرسی آموزش زبان عربی به صورت مستقل در این دانشگاه آغاز به فعالیت کرد. منافی که کشور هلند در تجارت دریایی با مراکش و حکومت عثمانی داشت، دلیل اصلی توجه دانشگاه لیدن به زبان‌های شرقی بود. از این جهت، منافع تجاری سبب شد که این کرسی‌ها حامی مالی داشته باشند. در سال ۱۶۱۳م توماس ارپنیوس به عنوان استاد زبان‌های شرقی در دانشگاه لیدن، منصوب شد (Waardenburg, "Mustashrikūn", ۱۹۹۸: ۷۴۰). از این جهت است که ارتباط زشندورف، با این استاد کارکشته، جالب توجه است. همچنین ارتباط زشندورف با اساتید دیگر دانشگاه لیدن در پیوست انتهایی کتاب‌های ترجمه سوره‌های صف و نبأ آمده است (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۶; Zschendorff, Specimen Suratarum, id est, Capitum aliquot ex Alcorani Systemate, ۱۶۳۸: E۳). در واقع می‌توان گفت که زشندورف برای چاپ آثارش و دست یافتن به نسخه‌های خطی، نیاز شدیدی به ارتباط با افرادی مثل ارپنیوس داشت.

اگرچه نگرش الهیات مسیحی لوتری در آثار زشندورف آشکار است، اما او در واقع خود را عضوی از جمهوری نامه‌ها (Republic of Letters (Respublica literaria)) می‌دانست (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۶). جمهوری نامه‌ها، جامعه‌ای فکری بود که در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در اروپا و قاره آمریکا رواج یافت. این جامعه‌ی ارتباطی، رابطه‌ی بین روشنفکران عصر روشنگری و فیلسوفان فرانسوی را تقویت کرد. در واقع جمهوری نامه‌ها، به عنوان یک مجموعه‌ی خود خوانده از دانشمندان و شخصیت‌های ادبی تشکیل شده بود که از طریق نامه با یکدیگر، ارتباطی تنگاتنگ داشتند. این جامعه‌ی روشنگر، از مرزهای ملی عبور کرد و به تفاوت زبان و فرهنگ احترام می‌گذاشت (Dalton, Engendering the Republic of Letters..., ۲۰۰۳: ۷). از این جهت تعداد زیادی از نامه‌های علمی زشندورف، با دانشمندانی مثل هوتینگر، ارپنیوس و پوکک در جریان یک حرکت علمی بزرگ به نام جمهوری نامه صورت گرفت.



با توجه به شخصیت فعال و پر جنب و جوش زشندورف، گوشه‌گیری او در حدود ده سال آخر زندگی جای تأمل دارد. آخرین تاریخی که از آثار او برای ما در دسترس است، مربوط به نسخه خطی ترجمه لاتین قرآن در سال ۱۶۵۲م است (۸: ۲۰۱۵، "The Latin Translation..." (Tottoli). این در حالی است که او همچنان تا پایان عمر (۱۶۶۲م) سمت ریاست مدرسه سویکاو را بر عهده داشت و در سخنرانی تشیع جنازه او، پیسکر، سرپرست موقت سویکاو، با لحن تند، تأکید می‌کند که زشندورف، به هیچ وجه تا آخرین لحظات زندگی از کار افتاده نشد. همچنین جالب توجه است که در مراسم خاک‌سپاری زشندورف، هیچکدام از دانشمندان بزرگ زمانه و افراد معتبر شرکت نداشته‌اند، حتی خبری از فرزندان زشندورف در مراسم نیست، تنها حضور همسرش و چند شاگرد جوانش گزارش شده است (۶۰ & ۶۳: ۲۰۱۷، Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe). با توجه به مطالب بیان شده و مطالبی که در قسمت آثار زشندورف در ادامه می‌آید، در ده سال انتهای عمر زشندورف، نشانه‌هایی از یک انزوای علمی وجود دارد. از این جهت، این احتمال وجود دارد که تلاش‌های بی‌نتیجه‌ی او برای چاپ نسخه ترجمه کامل قرآن، زشندورف را به یک انزوای علمی هدایت کرده‌است.

۳. آثار یوهان زشندورف

از یوهان زشندورف، برخی آثار چاپی و خطی به جا مانده است، که بیشتر آن‌ها در حوزه مطالعات عربی است. او آثاری در موضوعات نقد قرآن، ترجمه قرآن، دستور زبان عربی، ترجمه مزامیر به زبان عربی از خود به جا گذاشته است که در ذیل مهمترین آثاری که از او به جا مانده است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یک. افسانه‌های قرآن، از دیدگاه زشندورف

با دست‌یافتن یوهان زشندورف به اولین نسخه کامل قرآن، او بسیار مشغوف بود و خوشحالی خود را از این موضوع، در نامه‌نگاری‌هایی که با یوهان گرهارد داشته است، آشکار می‌کند (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۸۰). با توجه به گرانی و کمیابی نسخ اصلی قرآن کریم در اروپای آن دوره و با توجه به این که زشندورف از پشتیبانی مالی برخوردار نبوده است، خوشحالی او قابل درک است. یک سال پس از این موفقیت است که در سال ۱۶۲۷م اولین اثر چاپی زشندورف درباره قرآن با عنوان افسانه‌های محمد (۱۶۲۷، Fabulae Muhammedicae) که مانند قرآن، شامل ۱۱۴ فصل است، منتشر شد (۱: ۲۰۲۱، "Ben-Tov, "Fabulae Muhammedicae sive..."). این

اثر نیز مثل سایر کتاب‌های لاتین قرن ۱۷م دارای عنوانی طولانی است. بر اساس مطالبی که در این عنوان طولانی بیان شده است، نسخه خطی این اثر توسط زشندورف، در ۱۳ آگوست سال ۱۶۲۷م در مراسم فارغ التحصیلی مدرسه لاتین به اطلاع عموم رسانده شد. این جلسه با حضور بازرگانان، اعضای شورای شهر، کنسول‌ها و مقامات، برگزار شد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۰)؛ و احتمالاً زشندورف این کار را برای یافتن حامی مالی برای چاپ اثر خود انجام داده است.

نویسنده در این اثر از شکل آثاری که به صورت شش‌پاره‌های لاتین (written in Latin hexameters) نوشته می‌شد، تقلید کرده است. صفتی که زشندورف برای پیامبر اسلام ﷺ، در این اثر به کار می‌برد، لقب سی‌سروی عرب (Cicero arabicus) است. دوگانگی در بخش مقدمه و متن این اثر وجود دارد که نگرش زشندورف را نسبت به قرآن برای ما در هاله‌ای از ابهام می‌گذارد. برخلاف مخالفت‌هایی که زشندورف در مقدمه کتاب با درستی قرآن ابراز کرده است، در متن کتاب او با تحلیل و مقایسه داستان‌های قرآنی و کتاب مقدس عهد عتیق، در تلاش است یک رابطه اساسی بین آن‌ها پیدا کند. او در عمل، قسمت زیادی از قرآن را به‌عنوان حقیقت تأیید می‌کند و قسمتی کوچک و جزئی را با دلایل ضعیف زیر سؤال می‌برد. کتاب زشندورف با مقدمه‌ای پندآمیز آغاز شده است: «ای ترک و ای عرب! اگر فقط آنچه را که نادرست است از کتابی که مطالعه می‌کنید (قرآن)، جدا کنید! اگر شما فقط مایل باشید که افسانه‌هایی که من در پایین برای شما به لاتین نوشتم را جدا کنید، شما در عدالت زندگی خواهید کرد و در ایمان با ما متحد خواهید شد.» (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۱). در واقع زشندورف در این اثر تلاش می‌کند که همخوانی بین مفاهیم قرآنی که از نظرش درست بوده با خوانش لوتری کتاب مقدس ایجاد کند (Ibid: ۷۷-۸۰).

جالب توجه است که برخی از آیات زیر سؤال رفته در این اثر، از یک اشتباه ترجمه ریشه گرفته است. به‌عنوان نمونه، آیات مربوط به قسمتی از آیه‌الکرسی، با این عبارات که اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ فِي الظُّلُمَاتِ (بقره/۲۵۷)؛ «خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمت‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد؛ (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوت‌ها هستند که آنها را از نور، به سوی ظلمت‌ها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتش‌اند و همیشه در آن خواهند ماند.» در کنار آیات مربوط به کشته شدن هابیل توسط قابیل مطرح می‌شود و این موضوع که قابیل نمی‌داندست با جسم برادرش چه کند، تا این‌که خداوند کلاغی را مأمور کرد تا در خاک جستجو کند و قابیل به این صورت آموخت که برادرش را به خاک بسپارد (مانده/۳۱). آصف بن توو در این زمینه



که چرا آیات مربوط به این دو موضوع قرآنی به صورت پشت سر هم نقل شده است، توضیحی نمی‌دهد و ارتباطی از این دو آیه برداشت نمی‌کند (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۴). با توجه به ظاهر این دو آیه و آنچه از پیش‌تاز بودن زشندورف در حوزه ترجمه قرآن در اروپای لاتین و عدم دسترسی او به منابع قرآنی می‌دانیم، احتمال می‌رود او در ترجمه عبارت «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» اشتباه کرده است و به نادرست، آیه را این‌گونه ترجمه می‌کند: خداوند کافران را از نور به سمت تاریکی‌ها خارج می‌کند. از این جهت این مسئله را در کنار داستان قابیل و کلاغ قرار می‌دهد، تا اثبات کند که این مسئله اشتباه دیدگاهی دارد و یک افسانه است، به این دلیل که امکان ندارد خداوند، کسی را در رفتن به سمت اشتباه همراهی کند.

از نظر زشندورف، بخش مربوط به یادگیری از کلاغ در داستان هابیل و قابیل، به جهت اینکه در عهد عتیق نیامده است، پذیرفته نیست و مورد انتقاد قرار گرفته است. در حالی که یک اشتراک مفهومی به صورت ناخودآگاه در این بیان ملموس قرآن با دیدگاه لوتریان وجود دارد. در واقع این اختلاف نظر قرآن و عهد عتیق که در کتاب زشندورف جمع‌آوری شده، برای بسیاری از لوتریان قرن ۱۷ قابل فهم بوده است، به این جهت که طرز تفکر مسیحیت لوتری نیز انتقاداتی به عهد عتیق داشت و در این موضوع با قرآن احساس قرابت می‌کرد. از این جهت است که باید گفت، علاقه زشندورف به قرآن، ریشه در تقوای لوتری او دارد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۷۵).

دو. ترجمه هفت مزامیر توبه داوود، با عبارات قرآنی

مدرسه لاتین سویکاو، یک مدرسه لاتین در ایالت ساکسونی الکتور (Saxon Elector) بود که زشندورف در سال‌های (۱۶۶۲-۱۶۱۷م) ریاست آن را به عهده داشت. ایالت ساکسونی الکتور، در دوران ابتدای ریاست زشندورف، مکان مناسبی برای فعالیت‌های علمی نبود. جنگ در میان کشورهای اروپایی برای تثبیت قدرت، قطعی و ناامنی را برای مردم شهر به همراه آورده بود. مدرسه لاتین سویکاو نیز از هیچ‌یک از این بدبختی‌ها در امان نماند. سختی‌ها با شیوع بیماری همه‌گیر خیارکی (bubonic) در ایالت ساکسون ادامه پیدا کرد. به همین منظور، مراسم تفتیش عقاید مسیحی موسوم به کیتیکزم (Catechism) برای بزرگسالان و همچنین کودکان مدرسه لاتین، در دستور قرار گرفت. در میان این مشکلات، یوهان زشندورف، مدیر مدرسه لاتین سویکاو، تصمیم گرفت اقدامی انجام دهد. از نظر او خدا در خشم خود، شهر را با آفت جنگ، گرسنگی و گرفتاری عذاب کرده بود و او با استفاده از یک تصمیم عجیب، برای آرام کردن این ناراضی‌های الهی اقدام کرد. او دستور داد موقتاً در مدرسه لاتین، مطالعات کفرآمیز ادبیات رومی را متوقف کنند و در عوض به آموزش هفت مزامیر توبه بپردازند (Ibid: ۵۷).

در شرایط سخت قحطی و بیماری ایالت ساکسونی الکتور، زشندورف با دانش آموزانش، هفت مزامیر توبه داوود را به طور خصوصی در کلاس می خواند. از آنجاکه برخی از دانش آموزان وی یادگیری عربی را آغاز کرده بودند، زشندورف تصمیم گرفت که با تدوین یک کتاب معادل ساز عبارات قرآن و مزامیر مجازات، آن ها را با عبارات قرآن بهتر و بیشتر آشنا کند. این دیدگاه زشندورف منجر به تدوین اثری بدیع شد که هرگز حمایتی برای چاپ آن صورت نگرفت. عنوان این اثر، فرهنگ اصطلاحات عربی هفت مزامیر توبه (Septem Psalmorum poenitentialium Para-Phrasis Arabica) بود. در این اثر، زشندورف از عبارات عربی قرآن برای ترجمه عربی و همانندسازی با مزامیر استفاده کرد و همچنین ترجمه لاتینی از عبارات عربی ارائه کرده است. تاریخ این نسخه خطی که در کتابخانه مدرسه شورای سویکاو (RSBZ: Ratsschulbibliothek Zwickau, MS ۱۸,۴,۲۹)، نگهداری می شود، مشخص نیست؛ اما با توجه به هم زمانی نگارش این اثر، با قحطی و شیوع بیماری همه گیر، احتمالاً در سال ۱۶۳۳م و یا ۱۶۳۶م دست نویس شده است. جالب توجه است که ترتیب صفحات در این کتاب، به صورت کتاب های عربی از راست به چپ، تنظیم شده بود که نشان می دهد نویسنده اصل را بر عربی بودن کتاب گذاشته است. علاقه زشندورف به زبان عربی در جای جای آثار علمی و زندگی شخصی اش مشهود است. به عقیده زشندورف، سلیمان پیامبر، مخترع زبان عربی است و این زبان می تواند به صورت معجزه آسایی بر تقویت الهیات بشر تأثیرگذار باشد (Ibid: ۵۸ & ۵۹). از این جهت بود که او برای افزایش تأثیرگذاری عبارات هفت مزامیر توبه آن ها را به زبان عربی و با عبارات قرآنی ترجمه کرد. چیزی که در این دیدگاه زشندورف، جلب توجه می کند، پذیرفتن جذابیت معنوی عبارات قرآن توسط یک مسیحی مذهبی لوتری است.

در مقدمه طولانی آلمانی این اثر، ادعا شده است که فصاحت و بلاغت در کتاب مزامیر توبه بیشتر از کتاب قرآن است. در این مقدمه، نویسنده از فضای علمی خارج شده و حتی نسبت به کتاب قرآن و حضرت محمد^ص بی احترامی می کند (Ibid: ۵۹). این عبارات، کاملاً با عبارات دیگر زشندورف در این اثر در تضاد است؛ مثلاً وقتی که در این اثر می گوید: آیات قرآن مانند الواح، بسیار زیبا و آراسته در کنار یکدیگر قرار گرفته است. زبان عربی قرآن، همان زبان سلطنتی است با همان لهجه عربی که به پادشاه سلیمان به عنوان مخترع آن نسبت داده می شود. در واقع زبان عربی ریشه در وحی الهی دارد و به جهت این زبان است که قرآن جای تأمل دارد و قابل تحقیر نیست.

به عنوان نمونه ای از روش کار ترجمه در این اثر، اولین آیه از قسمت ششم مزامیر، دارای این مفهوم است: «پروردگارا، مرا در عصبانیت خودت سرزنش مکن و با خشم خود مجازات مکن.» در قسمت



پایین این جملات، توسط چند عبارت قرآنی به زبان عربی این‌گونه همانند سازی شده است: «ای الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ انت العزيز الحكيم» و در پایین صفحه، ترجمه لوثری عبارات مزامیر آورده شده است. در واقع در این اثر برای ترجمه عربی مزامیر داوود، از عبارات شبه‌قرآنی استفاده شده است. عباراتی که از کنار هم قرار گرفتن واژگان و عبارات قرآن، به وجود آمده‌اند و حالت شعرگونه داشتند. بر اساس گزارش‌های تاریخی، این عبارات در در دهه ۱۶۳۰ میلادی در مدرسه لاتین سِویکاو، تلاوت می‌شد (۵۹: Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷).

این فعالیت زشندورف در واقع ترکیبی بود از استفاده از دیدگاه زاهدانه لوتری در برابر مشکلات و تلاش برای کمک به دانش‌آموزان لاتین برای درک بهتر زبان دشوار عربی و قرآن. اشتباهاتی نیز در ترجمه عبارات قرآن وجود دارد که نشان از سخت بودن فهم عبارات عربی و قرآنی برای زشندورف و شاگردانش دارد. هرچند توضیحات مقدمه و نوع چینش متن اثر در کتاب ترجمه قرآنی مزامیر، نشان می‌دهد که این کتاب برای انتشار نوشته شده است؛ اما جای سؤال است که چرا این اثر هرگز چاپ نشده است.

در آن دوره زمانی، مشکلاتی بر سر راه چاپ آثار عربی و از جمله این اثر وجود داشت. زشندورف چون حروف سریبی عربی در دسترس نداشت، می‌توانست از سه روش برای چاپ متن عربی استفاده کند: نخست اینکه با حروف عبری، متن عربی را چاپ کند که این کار باعث پیچیدگی و نامفهوم شدن متن عربی می‌شد. روش دوم حکاکی روی صفحه مسی بود که یک راه حل زیبا، ولی پرهزینه بود و زشندورف برای چاپ دایره‌های صرفی از آن استفاده کرد (Zwickau ۱۶۴۵, RSBZ, ۸۶; Circuli conjugationum ۱۶۲۶-۴۸, ibid, ۸۶). روش سوم، ساخت حروف چوبی عربی برای استفاده در چاپ بود. با توجه به این مطلب که زشندورف، یک حامی مالی برای انتشار آثارش نداشت و مجبور بود، آثارش را در چاپ‌خانه خانگی و با حروف چوبی چاپ کند، احتمالاً انگیزه یا هزینه کافی برای چاپ این اثر نداشت (Glei, "Sleeping in the Cave: Zechendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an", ۲۰۱۸: ۲۰۱۲-۱۲۲). البته دو اثر ترجمه قرآن، از زشندورف (Zechendorff, Specimen Suratarum, id est, Capitum aliquot ex Alcorani Systemate, ۱۶۳۸, ۱۶۴۷) با همین روش چاپ شده بود.

سه. نسخه‌های ترجمه قرآن بازمانده از زشندورف

برای یوهان ز شندورف و سایر دانشمندان پروتستان، مهمترین متن درد سترس برای تمرین زبان عربی، قرآن بود (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۱۰۷)

۸). از این نظر، او برای یادگیری زبان عربی از آیات قرآن استفاده می‌کرد. البته این در حالی است که زشندورف، حتی یک لغت‌نامه برای این کار در دسترس نداشت، چه اینکه اولین لغت‌نامه لاتین - عربی توسط یاکوب خولیوس (۱۶۶۷-۱۵۹۶) (Jacob Golius) در سال ۱۶۵۳م نوشته شده بود. همچنین زشندورف، در مکاتبات علمی خود با دوستانش، شادی فراوان خود را نسبت به یافتن نسخه‌ای کامل از قرآن، ابراز کرده است که این نکته از عدم دسترسی زشندورف به نسخه کامل قرآن و منابع مربوط به آن، در ابتدای کارش حکایت دارد. همچنین در اواخر فعالیتش بود که با تنها تفسیری که برایش در دسترس بود؛ یعنی تفسیر بیضاوی روبه‌رو می‌شود. هرچند در مقدمه ترجمه سوره صف، می‌گوید دو تفسیر قرآن فارسی و ترکی تا سال ۱۶۳۷م در دسترس داشته است؛ اما می‌گوید اطلاعات کافی از دو زبان فارسی و ترکی ندارد (Zschendorff, Specimen Suratarum, id est, Caput aliquot ex Alcorani) (Systemate, ۱۶۳۸: A۲ فراوانش را از بدست آوردن نسخه عربی تفسیر بیضاوی، نشان می‌دهد) (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۸۱ & ۸۳; Loop, ..., ۲۰۱۳: ۶۸-۷۴).

با تمام محدودیت‌ها و کمبود منابعی که برای زشندورف، مشکلات عدیده‌ای ایجاد کرده بود، او توانست، چهار سوره قرآن را به لاتین ترجمه کند (Tottoli, "The Qur'an of Johann Zschendorff", ۲۰۱۸: ۱۳۷). او ابتدا دو سوره صف و نباء (۱۶۳۸) و سپس دو سوره قارعه و عصر (۱۶۴۷) را به زبان لاتین ترجمه کرد. البته با توجه به این مطلب که زشندورف حامی مالی برای انتشار آثارش نداشت و مجبور بود، آثارش را در چاپخانه خانگی چاپ کند (Glei, "Sleeping in the Cave: Zschendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an", ۲۰۱۸: ۱۲۲)، این آثار در چاپخانه خانگی مدرسه سِویکاو با نام چاپخانه سیگنیا (Cygnea) به چاپ رسیدند. در این چاپخانه به دلیل نبود حروف سربی عربی، حروف عربی با چوب ساخته شد و یک چاپ ضعیف از ترجمه چهار سوره قرآن توسط زشندورف به چاپ رسید. هرچند در این ترجمه‌ها اشتباهات فاحشی نیز وجود دارد؛ اما شاید بتوان با توجه به کمبود منابع آموزش عربی و مشکلات چاپ این آثار، آن‌ها را توجیه کرد. تنها نسخه چاپی قرآن که بیش از نسخ زشندورف، قدمت دارد، نسخه چاپی ترجمه سوره یوسف است که توسط توماس اِرپنیوس در سال ۱۶۱۷م به چاپ رسید (ایازی، اهتمام ایرانیان به قرآن، ۱۳۸۰: ۲۳۷). توماس اِرپنیوس همان فردی است که چندین نسخه از کتاب دستور زبان عربی‌اش با حاشیه زده‌های زشندورف، در کتابخانه مدرسه سِویکاو وجود دارد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۸۴; Erpenius, Grammatica arabica (Leiden, ۱۶۱۳), RSBZ, MS ۲۳/۱۰۷/۱). از این جهت شاید بتوان گفت که زشندورف، تحت تأثیر توماس اِرپنیوس به ترجمه سوره‌های قرآن پرداخته است.



نسخه چاپی دو سوره از قرآن که زشندورف در سال ۱۶۳۸م اقدام به چاپ آن می کند، مربوط به سوره صف و نباء است. (تصویر شماره ۱). این نسخه چاپی دارای بیست برگ است و در چاپخانه سیگنیا همان چاپخانه مربوط به مدرسه سویکاو، با حروف چاپ چوبی به چاپ رسیده است. در ابتدای این کتاب، اثر به استاد مدرسه دانزینگ، یوهان موشینگر (۱۶۰۳-۵۲) (Johann Mochinger)، تقدیم شده است. زشندورف در مقدمه این اثر، تضمین می دهد که تلاش خود را برای نوشتن ردی بر تمام قرآن به کار بندد (۲: ۲۰۲۱). در ابتدای این نسخه از عبارت «الراسخین فی العلم»، «اولوا العلم» و عبارت «وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» برای مقدمه استفاده شده است. این عبارات قرآنی به جز عبارت اولوا العلم، مربوط به آیه ۷ سوره آل عمران است II هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ ۖ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۚ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۗ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۚ وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (O). این آیه به افرادی اشاره می کند که از متشابهات قرآن برای طرح شبهه استفاده می کنند، درحالی که ظاهراً را سخنان در علم، همه آیات محکم و متشابه قرآن را می پذیرند و صاحبان خرد، از این مسئله پند می گیرند. به کار بردن این عبارات قرآنی در ابتدای نسخه ای که آیات قرآن را به قضاوت نشسته است، جای پرسش و پژوهش بیشتر دارد.

تنظیم صفحات در این نسخه چاپی به صورتی است که در یک صفحه آیات قرآن و ترجمه لاتینی نوشته شده است و در صفحه بعدی دو ستون برای سنجش درستی یا نادرستی مفهوم هریک از عبارات قرآنی تنظیم شده است. زشندورف، برداشت خود را از عبارات قرآنی با جملات عربی و لاتین در ذیل واژه در ست یا نادرست تقسیم بندی می کند. در این تقسیم بندی، ظاهراً اکثر عبارات و مفاهیم قرآنی، تصدیق می شود، به جز عباراتی که در آنها به رسالت حضرت محمد α اشاره شده است.



شکل شماره ۱: یوهان زشندورف، نسخه چاپی مربوط به ترجمه دو سوره صف و نباء، (سیگنیا،

۱۶۳۸م)، سایت کتاب‌های گوگل (Zechendorff, Johann. Specimen Suratarum, id est, Caputum

aliquot ex Alcorani Systemate. Zwickau: Cygnaea, ۱۶۳۸. Retrieved from:

https://books.google.com/books?id=TupMAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Johann.+Specimen+Suratarum,+id+est,+Caputum&source=gbs_navlinks_s

نسخه چاپی دیگر قرآنی منتسب به زشندورف (شکل شمار ۲)، مربوط به ترجمه لاتین سوره‌های قارعه و عصر است (Zechendorff, Suratae unius atque alterius textum, ۱۶۴۷). این نسخه در همان چاپخانه سیگنیا با حروف چوبی به چاپ رسیده و دارای شانزده برگ است. در آغاز این نسخه عبارت عربی «جُهِدِ الْمُقَلَّ کَثِيرًا» نوشته شده است. این عبارت نشان می‌دهد که زشندورف، با برخی منابع اسلامی که این اصطلاح در آن‌ها به کار رفته، حداقل آشنایی داشته است. همچنین این حدیث معروف امام علی^ع که می‌فرماید: «کمال العلم فی الحلم»، به زبان عربی در ابتدای کار آمده است که می‌تواند نشان از آشنایی نویسنده با آثار حدیثی داشته باشد. زشندورف در واقع در این نسخه چاپی ترجمه‌ای



لاتینی از تفسیر بیضاوی درباره دو سوره قارعه و عصر ارائه داده است و ترجمه و تفسیر آیات در آن باهم ادغام شده است. او در این اثر از یک نسخه خطی عربی این تفسیر استفاده می کند که توسط بیضاوی، مفسر ایرانی قرن سیزدهم میلادی نوشته شده است (بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱۹۹۸: ۳۳۶-۳۳۳).

سال دقیق چاپ این اثر مشخص نیست؛ اما با توجه به شواهد و قرائن، پژوهشگران احتمال داده اند که تاریخ چاپ این نسخه حدود ۱۶۴۷م باشد (Ben-Tov, "Fabulae Muhammedicae sive..." ۲۰۲۱:۱). گویا در ترجمه سوره های صف و نباء او هیچ کتاب تفسیر قرآنی در دست نداشته است. از این جهت با به دست آوردن این کتاب تفسیر، خوشحالی اش را در نامه ای که در سال ۱۶۴۷م به ارنست گرهارد می نویسد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۹۲)، بروز می دهد و در ترجمه سوره های قارعه و عصر از آن استفاده می کند. زشندورف، لطف خاص خداوند و دوستان را در راه پیدا کردن این نسخه تفسیر بیضاوی، شامل حال خود دانسته است و در مقدمه این نسخه چاپی می نویسد که بدون توجه به تفسیر قرآن، امکان ترجمه قرآن وجود ندارد (Ben-Tov, "Fabulae Muhammedicae sive..." ۲۰۲۱:۳).

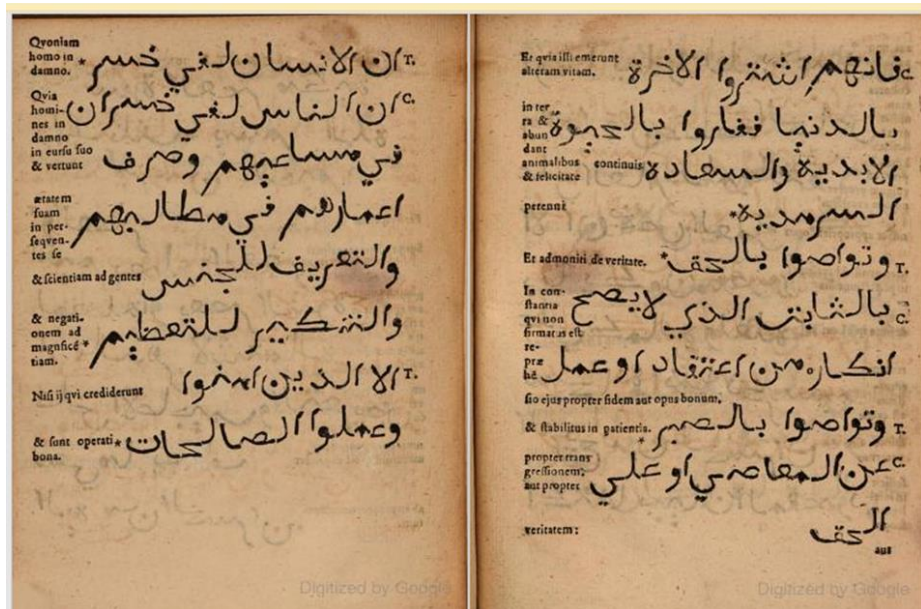
با توجه به این مطلب، قصد علمی زشندورف برای فهمیدن و تجزیه و تحلیل قرآن و رسیدن به مفهوم واقعی آیات آشکار می شود. چه این که از تقسیم بندی های مربوط به در ست یا غلط بودن آیات قرآن، در این نسخه ترجمه قرآن، خبری نیست. در واقع می توان گفت وعده ای که زشندورف در نوشتن ردی بر تمام قرآن داده بود، با دیدن تفسیر بیضاوی به فراموشی سپرده می شود. همچنین جالب توجه است که در این نسخه، تمام جملات بیضاوی، درباره تفسیر دو سوره قارعه و عصر بدون تلخیص آورده شده است. حتی در انتهای سوره قارعه، بیضاوی جمله ای از حضرت محمد α نقل می کند که هر کس سوره قارعه را بخواند، پرونده اعمالش پر می شود و زشندورف، عیناً عبارات عربی را آورده و ترجمه کرده است (Zechendorf, Suratae unius atque alterius textum, ۱۶۴۷:c۲).

اشتباه در ترجمه، یکی از مشکلات در آثار زشندورف است. اشتباه واضحی که در این نسخه چاپی به چشم می خورد، ترجمه کلمه «القارعه» به کلمه مخالفان (the opponents) است. در حالی که عبارت قرآنی القارعه، به مفهوم رویداد کوبنده و فاجعه بزرگ است و اشاره به روز قیامت می کند. با این اشتباه در ترجمه سوره قارعه، می توان گفت که رویکرد و پیام اصلی سوره، زیر سؤال رفته است. در واقع در ترجمه زشندورف از این سوره، پیام اصلی این سوره به جای اینکه هشدار دادن به حوادث روز قیامت باشد، پیامی از مجموعه خشونت ها را برای مخالفان دین اسلام، به همراه دارد.

هرچند بن توو این اشتباه بزرگ را به این صورت توجیه می‌کند که ممکن است منظور زشندورف از مخالفان، مخالفان دستورات الهی باشد که روز قیامت را انکار می‌کنند بن وو همچنین با توجه به پیشگام بودن زشندورف در آموزش عربی منطقه خودش و با توجه به کمبود منابع آموزش اشتباهات این چنینی زشندورف را توجیه می‌کند. او معتقد است که هرکسی که در عرصه‌ای پیشگام شود، طبیعتاً ضعف‌هایش بیشتر هویدا خواهد شد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۸۳ & ۸۲).

با توجه به موضعی که آصف بن توو، درباره اشتباهات زشندورف مطرح کرده است، یک سؤال رایج در زمینه مطالعات اسلامی و اصول پژوهش، دوباره مطرح می‌شود. سؤال این است که اشتباهات ترجمه را تا کجا می‌توان به ناآگاهی و برداشت غلط پژوهشگر نسبت داد. اساساً آیا می‌توان اثبات کرد که نویسنده‌ای عمداً یک متن را به صورت هماهنگ با منافعتش ترجمه کرده است؟ برای پیگیری این مسئله می‌توان در قسمت‌هایی از متن که ترجمه غلط آن، منافعی برای مترجم ندارد، میزان دانش مترجم را تخمین زد. برای مثال با قرار دادن این جمله «laudo nomen cujus»؛ «من نام آن را ستایش می‌کنم. نامش ستایش شده است.» در قسمت جملات کذب، پیش‌آگاهی از ظهور حضرت محمد α را در متون مقدس مسیحی رد می‌کند. جملاتی که در قسمت صحیح یا ناصحیح، نوشته شده است نظرات خود زشندورف، و در برخی موارد شواهدی از کتب مقدس به زبان لاتین است که به عربی نیز ترجمه شده است. دلیل این کار زشندورف، می‌تواند تأثیرگذاری بر مخاطبان مسلمان اثرش باشد. هرچند او در آثارش، اهداف علمی زیادی را دنبال کرده است؛ اما طبیعتاً به‌عنوان یک مسیحی معتقد، نمی‌توانست اهداف کلامی و تبشیری را در نظر نگیرد.

زشندورف، در ترجمه دو سوره نباء و صف، بسم الله الرحمن الرحيم را ترجمه نکرده است؛ اما در ترجمه سوره قارعه و در نسخه خطی کامل قرآن، این عبارت قرآنی را با دقت تحت الفظی، به این صورت ترجمه کرده است: «in nomine dei mifericordis miferatoris»؛ به نام خداوندی که دارای مهربانی فراگیر است! (Zschendorff, Suratae unius atque alterius textum, ۱۶۴۷: c۱). همان طور که می‌دانیم، ترجمه این عبارت، به‌عنوان یکی از پیام‌های اصلی دین اسلام، بسیار حائز اهمیت بوده و برای مسیحیت نفع تبشیری نداشته است؛ چنان‌که می‌دانیم، مهربانی و رحمت خداوند، از شعارهای اصلی آئین مسیحیت است که مسیحیان لوتری بسیار بر آن تکیه داشته‌اند. به نظر می‌رسد، مواردی از دقت‌های این چنینی در ترجمه در آثار زشندورف وجود دارد که نافی انگیزه‌های تبشیری است و نشان از تلاش وی در رعایت امانت در ترجمه دارد.



شکل شماره ۲: یوهان زشندورف، نسخه چاپی ترجمه لاتین از تفسیر بیضاوی، سوره‌های قارعه و عصر، (سیگنیا، ۱۶۴۷م) سایت کتاب‌های گوگل (Zechendorff, Johann. Suratae unius atque alterius textum ejusque explicationem ex commentario quodam arabe dogmata Alcorani. Zwickau:

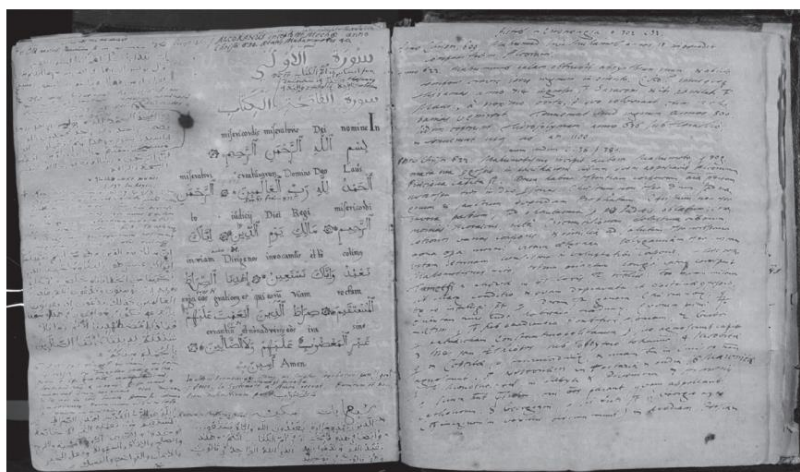
Cygneae ۱۶۴۷. Retrieved from:

[https://books.google.com/books?id=SupMAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Suratae+unius&so](https://books.google.com/books?id=SupMAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Suratae+unius&so(urce=gbs_navlinks_s)

ز شندورف، در چندین مورد ادعا کرده بود که موفق شده است کل قرآن را به لاتین ترجمه کند؛ اما قادر به انتشار آن نبوده است. کشف اخیر در کتابخانه دارالکتب قاهره این ادعا را تأیید می‌کند. یک نسخه خطی دست‌نوشته با متن عربی کل قرآن با ترجمه لاتینی و دستخط زشندورف، پس از چهار قرن کشف شده است (۲۰۲۱:۳). (Ben-Tov, "Fabulae Muhammedicae sive..."). این نسخه خطی در ۵۶۶ صفحه در ابعاد ۱۶×۱۹ در قسمت مصاحف دارالکتب قاهره نگهداری می‌شود (Tottoli, "The Latin Translation...", ۲۰۱۵: ۸). تاریخ این نسخه خطی مربوط به سال ۱۶۳۲م است. در ابتدای این اثر، نامه‌ای مربوط به هانریش هوتینگر، مقدمه شده است که از زشندورف، به خاطر زحماتش قدردانی می‌کند. این نامه شامل چندین دست‌خط است و آثار مختلف زشندورف را نام می‌برد و آخرین تاریخی که در آن یافت می‌شود، سال ۱۶۵۲م است. احتمالاً این کتاب در سال ۱۶۳۲م توسط زشندورف کامل

شده است و در حدود سال ۱۶۵۲م این نامه به عنوان مقدمه چاپ، به آن اضافه شده است (Tottoli, ۲۰۱۵: ۸ & ۹). "The Latin Translation..." با توجه به گزارش های مطالعات اسلامی در اروپا، می توان گفت تلاش زشندورف، برای چاپ یک قرآن عربی کامل به همراه ترجمه یک فعالیت نوآورانه بود. هر چند این تلاش او به نتیجه نرسید و دانسته های کنونی ما نشان می دهد که آبراهام هینکلمان (Abraham (Hincelmann (Hamburg ۱۶۹۴)، اولین قرآن عربی کامل را به همراه ترجمه چاپ کرد (Tottoli, "The Qur'an of Johann Zschendorff", ۲۰۱۸: ۱۳۷).

جالب توجه است که زشندورف، در این اثر، معیار را در ترجمه لاتین، مانند زبان عربی، از راست به چپ قرار داده است. با این روش، ترجمه هر کلمه دقیقاً در زیر کلمات عربی قرآن قرار می گیرد. در حاشیه سوره ها توضیحاتی با عبارات عربی و لاتین وجود دارد و همچنین مکی یا مدنی بودن هر سوره با نقل قولی از کتاب ارنیوس، مشخص است. توضیحاتی که در برخی موارد نیاز بوده است در حاشیه با علامت های عبری اضافه شده است. اشتباهات و جاگذاری هایی در نسخه وجود دارد که ممکن است صفحات مربوط به آن گم شده باشد، مثلاً قسمت زیادی از سوره مومنون در این نسخه وجود ندارد (Tottoli, "The Latin Translation...", ۲۰۱۵: ۱۶ & ۱۷).



شکل شماره ۳: زشندورف، یوهان، نسخه خطی ترجمه لاتین قرآن، (۱۶۵۲-۱۶۳۲م)، عکس از مقاله توتولی، ص ۲۵؛ دارالکتب و الوثائق القومية قاهره، بخش مصاحف (Ms) ۱۹۸.
(Zschendorff, Johannes, Manuscript translation of the Quran; Cairo Dār al-kutub wa-l-waṭā'iq al-qawmiyyah, Ms Maṣāḥif ۱۹۸, p. IVb-۱). (Tottoli, "The Latin Translation of the Qur'an by ... Zschendorff...", ۲۰۱۵: ۲۵)



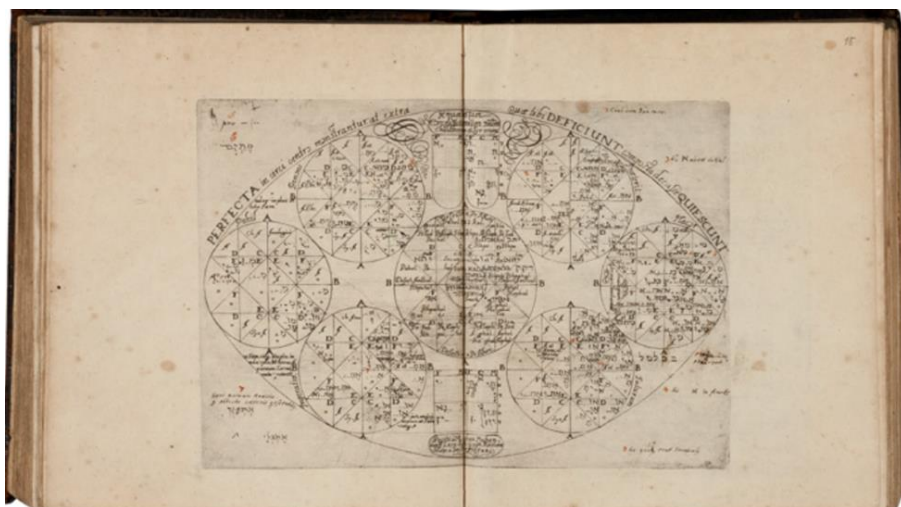
رینهولد گلی و روبرتو توتولی، با پژوهش در قسمت سوره کهف از این نسخه خطی تلاش کرده‌اند که روش کار زشندورف را در این ترجمه توصیف کنند. بر اساس این دو گزارش تنها منابعی که زشندورف برای نوشتن این نسخه در اختیار داشت، یک نسخه قرآن و یک نسخه تفسیر بیضاوی بود و بر اساس سال‌ها تلاش فردی به تکمیل این اثر پرداخت. یکی از مشکلاتی که در این نسخه درباره برخی سوره‌ها و سوره کهف صادق است، تقسیم‌بندی نادرست آیات و اشتباهات تصحیفی است. چنانکه می‌دانیم، این خطاها و مانند این‌ها به دلیل کمبود نسخ خطی قرآن در دسترس مستشرقان، در آن دوره، مشکلی رایج بود (Tottoli, "The Qur'an of Johann Zechendorff", ۲۰۱۸: ۱۴۲-۱۴۴). یکی از مشکلات در نسخه کامل قرآن زشندورف، برداشت‌های مفهومی نادرست از آیات قرآن است. زشندورف، به جهت خوداتکایی در آموزش زبان عربی دچار مشکلات زیادی در ترجمه قرآن شده است. البته نمی‌توان تصور کرد این موارد به عمد بوده است. به عنوان مثال فعل «تَرَى» که در آیه ۱۷ سوره کهف، منظور صیغه مفرد مخاطب است، به صورت مؤنث غایب در نظر گرفته است و یا کلمه «لِما» را در آیه ۱۲ همین سوره، به صورت سؤالی ترجمه نکرده است (Glei, "Sleeping in the Cave: (Zechendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an", ۲۰۱۸: ۱۲۵& ۱۲۷).

چهار. آثار زشندورف در موضوع آموزش دستور زبان

آثاری از زشندورف در موضوع زبان‌شناسی به یادگار مانده است. در این آثار راهکارهایی برای آموزش آسان زبان‌هایی مثل لاتین، عبری، عربی، سریانی، ترکی و فارسی ارائه می‌شود. دو نسخه خطی با عناوین مربوط به کابالا (cabala) که بدون تاریخ از زشندورف باقی مانده است، بسیار جالب توجه است. برخلاف معنای عنوان، این نسخ خطی، هیچ ارتباطی با کابالا به معنای علوم اسرارآمیز ارواح و جادوگری ندارند؛ بلکه موضوع مورد بحث این نسخ خطی، دستور زبان لاتین و دستورالعمل‌های نظام‌مند آن است که امکان یادگیری زبان را به صورت اسرارآمیزی به صورت سریع، آسان و پایه‌ای فراهم می‌کند. با توجه به شواهد و قرائن می‌توان گفت که این آثار، از جمله آثار اولیه این مستشرق آلمانی است (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۶۵).

از جمله دیگر آثار زبان‌شناسی زشندورف، مجموعه‌ای از نمودارهای دایره‌ای با چاپ مسی است که از سال‌های ۱۶۲۶-۱۶۴۸م به یادگار مانده است. این اثر به نام حلقه‌های صرف، معروف است و برای آموزش، صرف افعال کامل و ناقص در زبان‌های مختلف شرقی کاربرد داشته است. این مجموعه، شامل شش نمودار دایره شکل است که حول یک نمودار، قرار گرفته‌اند (تصویر شماره ۴). این مجموعه برای ساده‌سازی دستور زبان، طراحی شده است و از نظر تئوری، تجسم شماتیک و سیستماتیک از سیستم‌های

صرف افعال را به نمایش می‌گذارد. هرچند این روش آموزش تصویری، در مدارس زبان لاتین دوران قرن هفدهم رایج بوده است؛ اما استفاده از این روش برای آموزش زبان عربی کار متفاوتی است که برای نخستین بار، توسط زشندورف، صورت گرفته است (۸۴ & ۸۸). (ibid). احتمالاً زمانی که او به صورت خودآموز، آموزش زبان عربی را شروع کرد، همین روش‌های زبان‌شناسی را به کار می‌گرفت.



شکل شماره ۴: یوهان زشندورف، حلقه‌های صرف، (سویکا، ۱۶۴۵م)، تصویر از کتاب لوب، مقاله بن تو، صفحه ۸۸.

Loop..., ۲۰۱۷: . (Zschendorf, Circuli conjugationum, (Zwickau, ۱۶۴۵), RSBZ ۸۸.)

نتیجه

یوهان زشندورف، رئیس مدرسه لاتین در ساکسونی الکتور در محدوده پادشاهی آلمان، اگرچه از کرسی‌های شرق‌شناسی اروپا فاصله داشت؛ اما توانست خود را به یک شبکه علمی بزرگ متصل کند. مکاتبات او با توماس اِرپنیوس در لیدن، ادوارد پوکک در آکسفورد و یوهان هوتینگر در زوریخ، باعث شده است که او بتواند به اطلاعاتی روآمد در عرصه مطالعات عربی و اسلامی دست یابد و آن را در نظام آموزشی مدرسه لاتینی سویکا به کار بندد (Loop et al, The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe, ۲۰۱۷: ۹۲; Gleis, "Sleeping in the Cave: Zschendorf's ۱۶۳۲ Latin (Translation of the Qur'an", ۲۰۱۸: ۱۲۲).



تغییر روش زشندورف در طول زندگی علمی و آثارش آشکار است. او در ترجمه دو سوره نباء و صف، بسم الله الرحمن الرحیم را ترجمه نکرده است؛ اما در ترجمه های بعدی یعنی سوره قارعه و عصر و در نسخه خطی کامل قرآن، این عبارت قرآنی را با دقت تحت الفظی، ترجمه کرده است. نشانه هایی از یک انزوای علمی در حدود ده سال آخر عمر زشندورف وجود دارد. نشانه هایی مانند عدم تألیف اثر و عدم ارتباط علمی با دوستان دانشمند، همچنین شرکت نکردن مقامات علمی در مراسم خاک سپاری، به جز دسته ای از شاگردانش، می تواند نشان از انزوای علمی او داشته باشد. احتمالات مختلفی برای عدم موفقیت زشندورف در چاپ نسخه کامل ترجمه قرآن و انزوای علمی او در ده سال پایانی عمرش وجود دارد که نیازمند پژوهش های آتی است.

منابع

۱. قرآن کریم، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دارالذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. اریکسون، محمد یوسف، «قرآن و ترجمه های آن»، ترجمه محمد علی نجفی، دائرة المعارف قرآن کریم، به کوشش شیخ حسن سعید، تهران: ۱۴۰۶ ق.
۳. ایازی، یاسر، اهتمام ایرانیان به قرآن، مبین، رشت: ۱۳۸۰ ش.
۴. بدوی، عبدالرحمان. «قرآن و نسخه هایش در اروپا»، ترجمه: غروی قوچانی، یوسف، کیهان فرهنگی، شماره ۱۲۸، مرداد و شهریور ۱۳۷۵.
۵. بیضاوی، نصیر الدین عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار إحياء التراث العربي، بیروت: ۱۹۹۸ م.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق ترجمه قرآن، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم: ۱۳۸۶ ش.
۷. Ben-Tov, Asaph. "Fabulae Muhammedicae sive nugae Alcorani; Specimen Suratarum, id est, Caputum aliquot ex Alcorani Systemate; Suratae unius atque alterius textum". Christian-Muslim Relations ۱۵۰۰ - ۱۹۰۰, General Editor: David Thomas, Retrieved from http://dx.doi.org/۱۰.۱۱۶۳/۲۴۵۱-۹۵۳۷_cmrii_COM_۲۸۹۴۰., (۳۰ des, ۲۰۲۱): ۱-۵.
۸. Ben-Tov, Asaph, "Johann Zschendorff", in: Christian-Muslim Relations ۱۵۰۰ - ۱۹۰۰, General Editor David Thomas. Retrieved from https://referenceworks.brillonline.com/entries/christian-muslim-relations-ii/johann-zschendorff-COM_۲۸۹۳۹?s.num=۰&s.rows=۵۰&s. (۲۴ February ۲۰۲۱): ۱-۴.
۹. Bryce, James. The Holy Roman Empire. New York : MacMillan Company, ۱۹۱۳.
۱۰. Dalton, Susan. Engendering the Republic of Letters: Reconnecting Public and Private Spheres. McGill-Queen's UP, ۲۰۰۳.
۱۱. Gleis, Reinhold F. "Sleeping in the Cave: Zschendorff's ۱۶۳۲ Latin Translation of the Qur'an". Journal of Qur'anic Studies. ۲۰ (۲۰۱۸): ۱۲۱-۱۳۶.
۱۲. Loop, Jan, Hamilton, Alastair and Burnett Charles. The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe. Ben-Tov, Asaph, "Johann Zschendorff (۱۵۸۰-۱۶۶۲) and Arabic Studies at Zwickau's Latin School". Leiden: Brill, ۲۰۱۷.



۱۳. Loop, Jan. Johann Heinrich Hottinger: Arabic and Islamic Studies in the Seventeenth Century. Oxford, ۲۰۱۳.
۱۴. Muller, Richard A. "John Calvin and later Calvinism". In Bagchi, David; Steinmetz, David C (eds). New York: Cambridge University Press, ۲۰۰۴.
۱۵. Tottoli, Roberto. "The Latin Translation of the Qur'ān by Johann Zechendorff (۱۵۸۰-۱۶۶۲) Discovered in Cairo Dār al-Kutub". Oriente Moderno ۹۵ (۲۰۱۵): ۵-۳۱.
۱۶. Tottoli, Roberto. "The Qur'an of Johann Zechendorff: Features and Sources of the Arabic Text of Sūrat al-Kahf (Q. ۱۸)". Journal of Qur'anic Studies. ۲۰ (۲۰۱۸): ۱۳۷-۱۴۸.
۱۷. Waardenburg, J.D.J. "Mustashrikūn", in: Encyclopaedia of Islam. Second Edition, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, ۱۹۹۸.
۱۸. Zechendorff, Johann. Specimen Suratarum, id est, Caputum aliquot ex Alcorani Systemate. Zwickau: Cygneae, ۱۶۳۸. Retrieved from:
۱۹. https://books.google.com/books?id=TupMAAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Johann.+Specimen+Suratarum,+id+est,+Capitum&source=gbs_navlinks_s
۲۰. Zechendorff, Johann. Suratae unius atque alterius textum ejusque explicationem ex commentario quodam arabe dogmata Alcorani. Zwickau: Cygneae ۱۶۴۷. Retrieved from: https://books.google.com/books?id=SupMAAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Suratae+unius&source=gbs_navlinks_s
۲۱. <https://www.biblestudytools.com/history/creeds-confessions/catechisms/>

Resources

۱. Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. Ayazi, Yasser, *Interests of Iranians in Quran*. Mobin, Rasht: ۲۰۰۱.
۳. Badavi, Abdulrahman. "Quran and Its Manuscripts in Europe", Translated by: Gharvi Quchani, Yousuf, Kihan Farhangi, Mirdad and Shahrivar ۱۹۹۶, No. ۱۲۸, pp ۷۸-۸۱.
۴. Baydawi, Nasir al-Din Abdallah bin Omar, *Anwar al-Tanzil wa Asrar al-Ta'wil*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut: 1998.
۵. Ben-Tov, Asaph. "Fabulae Muhammedicae sive nugae Alcorani; Specimen Suratarum, id est, Capitum aliquot ex Alcorani Systemate; Suratae unius atque alterius textum". *Christian-Muslim Relations 1500 – 1900*, General Editor: David Thomas, Retrieved from http://dx.doi.org/۱۰.۱۱۶۳/۲۴۵۱-۹۵۳۷_cmrii_COM_۲۸۹۴۰.۰, (۳۰ des, ۲۰۲۱): ۱-۵.
۶. Ben-Tov, Asaph, "Johann Zechendorff", in: *Christian-Muslim Relations 1500 - 1900*, General Editor David Thomas. Retrieved from https://referenceworks.brillonline.com/entries/christian-muslim-relations-ii/johann-zechendorff-COM_۲۸۹۴۹?s.num=۰&s.rows=۵&s. (۲۴ February ۲۰۲۱): ۱-۴.
۷. Bryce, James. *The Holy Roman Empire*. New York: MacMillan Company, ۱۹۱۳.
۸. Dalton, Susan. *Engendering the Republic of Letters: Reconnecting Public and Private Spheres*. McGill-Queen's UP, ۲۰۰۳.
۹. Erickson, Muhammad Yusuf, "Quran and Its Translations", Translated by Muhammad Ali Najafi, Encyclopedia of the Holy Quran, Prepared by Sheikh Hassan Saeed, Vol. ۱, Tehran: ۱۴۰۶ AH.
۱۰. Gleib, Reinhold F. "Sleeping in the Cave: Zechendorff's 1632 Latin Translation of the Qur'an". *Journal of Qur'anic Studies*. ۲۰ (۲۰۱۸): ۱۲۱-۱۳۶.
۱۱. Loop, Jan, Hamilton, Alastair and Burnett Charles. *The Teaching and Learning of Arabic in Early Modern Europe*. Ben-Tov, Asaph, "Johann Zechendorff (۱۵۸۰-۱۶۶۲) and Arabic Studies at Zwickau's Latin School". Leiden: Brill, ۲۰۱۷.
۱۲. Loop, Jan. *Johann Heinrich Hottinger: Arabic and Islamic Studies in the Seventeenth Century*. Oxford, ۲۰۱۳.
۱۳. Muller, Richard A. "John Calvin and later Calvinism". In Bagchi, David; Steinmetz, David C (eds). New York: Cambridge University Press, ۲۰۰۴.
۱۴. Rezaei Isfahani, Mohammad Ali, *Logic of Quran Translation*, International Center for Islamic Sciences, Qom: ۲۰۰۷.
۱۵. Tottoli, Roberto. "The Latin Translation of the Qur'ān by Johann Zechendorff (1580-1662) Discovered in Cairo Dār al-Kutub". *Oriente Moderno* ۹۵ (۲۰۱۵): ۵-۳۱.
۱۶. Tottoli, Roberto. "The Qur'an of Johann Zechendorff: Features and Sources of the Arabic Text of Sūrat al-Kahf (Q. 18)". *Journal of Qur'anic Studies*. ۲۰ (۲۰۱۸): ۱۳۷-۱۴۸.
۱۷. Waardenburg, J.D.J. "Mustashrikūn", in: *Encyclopaedia of Islam. Second Edition*, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, ۱۹۹۸.
۱۸. Zechendorff, Johann. *Specimen Suratarum, id est, Capitum aliquot ex Alcorani Systemate*. Zwickau: Cygneae, ۱۶۳۸. Retrieved from: https://books.google.com/books?id=TupMAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Johann.+Specimen+Suratarum,+id+est,+Capitum&source=gbs_navlinks_s
۱۹. Zechendorff, Johann. *Suratae unius atque alterius textum ejusque explicationem ex commentario quodam arabe dogmata Alcorani*. Zwickau: Cygneae ۱۶۴۷. Retrieved from: https://books.google.com/books?id=SupMAAAcAAJ&dq=Zechendorff,+Suratae+unius&source=gbs_navlinks_s
۲۰. <https://www.biblestudytools.com/history/creeds-confessions/catechisms/>.